

## ناکامی حاکمان مصر در توسعه سیاسی و اقتصادی

براساس مدل اقتدار‌گرایی بوروکراتیک و توسعه وابسته (۲۰۱۱-۱۹۸۰م)

محمد کاظم کاوه پیشقدم<sup>۱</sup>

### چکیده

علل انقلاب اخیر مصر در سال جاری از دیدگاه‌های متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش به طور خاص به مدل توسعه به کار گرفته شده در مصر در سی سال اخیر می‌پردازد. نخست به تبیین چهارچوب نظری مدل اقتدار‌گرایی بوروکراتیک پرداخته می‌شود و سپس به تطبیق این ویژگی‌ها بر ساختار اقتصاد سیاسی مصر در دوران مبارک اشاره شده و به این نتیجه می‌رسد که مدل به کار گرفته شده در توسعه سیاسی اجتماعی مصر موجب عدم موفقیت شده است و ناکارآمدی روش مذکور به ایجاد بحران و انقلاب اخیر انجامیده است. چهارچوب نظری براساس الگوی تطبیقی و روش گیلر موادانل و توسعه وابسته براساس نظریه ایوانس مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است. **واژه های کلیدی:** توسعه، مصر، بوروکراسی، انسداد سیاسی، نخبگان.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز Pishghadam@IAUshiraz.ac.ir

## مقدمه

مهمترین پرسشی که جوامع امروزی جویای توسعه با آن مواجه هستند آن است که توسعه چیست؟ گروهی توسعه را به مثابه آزادی در نظر گرفته اند (آمار تیا سن، وحید محمودی، ۱۳۸۱: ۱۶)، گروهی دیگر از نگاه اقتصاد به مبحث توسعه پرداخته اند (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۰۴) و جمعی دیگر از رهیافت فرهنگی به مبحث توسعه پرداخته اند (Huntington 1976: 50). به هر حال اینکه توسعه فرایندی چندگانه است تقریباً اجماعی است که همه پژوهشگران معاصر به آن باور دارند. در این تحقیق توسعه براساس تعریف زیر مد نظر قرار گرفته است:

«فرایندی که طی آن جامعه از مرحله سستی به مدرن و از گزل‌شافت<sup>۱</sup> به گماین‌شافت<sup>۲</sup> و از خرد‌گریز به خردگرا می‌رسد و اقتصاد و فرهنگ و سیاست به صورت همه جانبه رشد می‌کند.» (ساعی ۱۳۸۴: ۴۸۰).

در جوامع جهان سوم الگوهای متفاوتی برای توسعه ارائه گردیده‌است و گاه تعارض در فرایند روش‌هایی به کار گرفته شده در حوزه توسعه بحران‌های اجتماعی فراوانی را به دنبال داشته که بارزترین آنها در جوامعی مانند آمریکای لاتین، آرژانتین و برزیل بود (سیف زاده ۱۳۶۸: ۲۴۳). در جهان سوم یکی از علل ظهور دولت‌های اقتدارگرای بوروکراتیک را واکنش به بحران‌های اقتصادی و سیاسی و سرمایه‌داری غرب می‌دانند (ساعی ۱۳۸۴: ۱۶۱). بنابراین اقتدارگرایی بوروکراتیک به عنوان روشی برای ایجاد توسعه خطی در اقتصاد و از سوی دیگر مقابله با سرکوب‌ها به کار گرفته می‌شود.

از سوی دیگر کشور مصر بعد از کودتای ۱۹۵۲م چالش عمیقی را در دو حوزه مشاهده کرد؛ از یک سو نیاز به رشد و پیشرفت و کمالی بود که افسران آزاد وعده آن را داده بودند و از سوی دیگر تهدیدهای مختلفی که از طرف گروه‌های بنیادگرا به ویژه اخوان المسلمین مصر ارائه می‌شد. بنابراین برای کنترل حوزه اختلافات سیاسی درونی مصر از سیاست انقباضی بهره گرفته شد از سوی دیگر در حوزه اقتصاد از روش انبساطی بهره گرفته شد.

1 - Gemeinschaft  
2 - Gesellschaft

### چهار چوب تحلیل (مدل تحلیلی)

در این پژوهش کوشیده‌ایم از مدل الگوی تطبیقی بهره‌ببریم. این روشی است که نخستین بار - توسط آلموند و پاول تحت تاثیر نظریه پردازانی چون: ماکس وبر، هارولد لازول، مورتون کاپلان به کار گرفته شد. (سیف زاده ۱۳۶۸ : ۷۸) در این روش نظام به دویخس خارجی و داخلی تقسیم می‌گردد که نظام‌های مزبور دائما در حال تاثیر و تاثر بر یکدیگر هستند که باید آنها را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داد.

به نظر او دانل نخبگان نظامی در گام نخست در صدد استراتژی تعمیق صنعت برآمدند و برای رسیدن به چنین هدفی نیاز به ایجاد یک نظم و امنیت اجتماعی بود به عبارت دیگر آنها برای حل معضل سیاسی دست به تاسیس یک دولت مقتدر زدند تا بتوانند تهدیدات سیاسی ناشی از فعال شدن بخش مردمی را فرو نشانند. بنابراین با نابود کردن رهبران مردمی، تبدیل سازمان‌های کاری در سطح کارخانه‌ها به یک بازوی دولت، ممنوعیت اعتصابات، توقف انتخابات دوره‌ای و نظایر آن، سرشت اقتدارگرایی دولت روز به روز پدیدارتر شد. (ساعی ۱۳۸۴ : ۱۶۳)

ویژگی‌های بارز این دولت‌های اقتدارگر به قرار زیر بود: (آلوی، ی. سو، محمود حبیبی

(۱۳۸۱: ۱۴۲)

۱- **حاکمیت دیوانسالاران** (بوروکراتها) مناصب عالی حکومت توسط کسانی اشغال - گردید که یک دوره عملکرد موفقیت‌آمیز را در سازمان‌های دیوانسالار نظیر نیروهای مسلح پشت سر گذاشته بودند.

۲- **انسداد سیاسی** (فضای سیاسی برای گروه‌های مخالف و منتقدان بسته شد).

۳- **انسداد اقتصادی** این دولت‌ها آرزوهای بی انتهای بخش مردمی را برای مشارکت در اقتصاد تخفیف داده و آن را به آینده دورتر موکول کردند.

۴- **سیاست زدایی**، مسائل اجتماعی به درجه مسائل فنی تقلیل پیدا می‌کند و سیاست

از دستور کار حوزه اجتماعی خارج شد (آلوی، ی. سو، محمود حبیبی ۱۳۸۱: ۱۴۲).

۵- **تعمیق سرمایه داری وابسته**<sup>۱</sup>

1 - Depoliticization

2 - Deepening of Dependent Capitalism

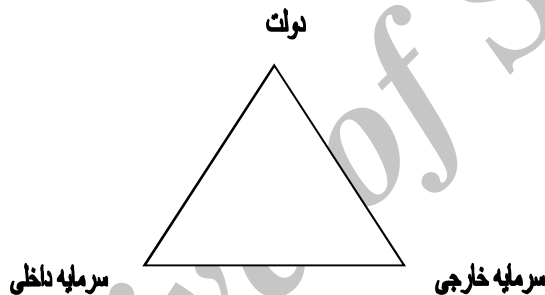
بنابراین دولت‌های اقتدارگرای بوروکراتیک در اولین مرحله فعالیت خود برای تامین یک فضای جاذب سرمایه گذاری و اغوای سرمایه‌های بین‌المللی و به منظور ایجاد یک محیط امن به اقدامات زیر دست‌زدند که نقاط برجسته این دولت‌ها به ترتیب زیر می‌باشد:

الف) جدایی سیاسی حاکمان از بخش مردمی

ب) ابهام زدایی از متحدین اولیه بورژوازی ملی و وابستگی به سرمایه‌های بین‌المللی.

مثلاً اقتصادی دولتهای اقتدارگرای بوروکراتیک به صورت زیر شکل می‌گیرد. (ساعی

۱۳۸۴: ۱۶۳)



### افسران آزاد و اقتدارگرایی

سال ۱۹۵۲ میلادی دنیای عرب شاهد کودتای افسران آزادبود. کودتایی که به انقلاب مصر شهرت یافت و پایه‌های سیاسی و اقتصادی خاورمیانه را دچار تغییر کرد. جمال عبدالناصر تحت-تاثیر حرکت‌های استقلال‌طلبانه که در آن روزها در خاورمیانه صورت می‌پذیرفت (مانند نهضت ملی شدن نفت در ایران) اقدام به برپایی جمهوری سوسیالیستی مصر نمود.

ناسیونالیسم عربی در موج اول حرکت نظامیان مصر بر پایه عقاید سوسیالیستی شکل-گرفت و ایدئولوژی‌های رادیکال را مانند ناصریسم در حوزه‌های سیاسی دنیای عرب شکل داد. فرایند روی کار آمدن ناسیونالیسم از طریق کودتا در سراسر دنیای عرب گسترش یافت که می‌توان به کودتای ۱۹۶۸ عراق و کودتای ۱۹۶۳ در سوریه، ۱۹۶۹ لیبی، ۱۹۶۲ سرهنگ‌ها در یمن اشاره-نمود (روزنامه جام جم، ۸۹: ۱۲).

جمال عبدالناصر با شخصیت کاریزماتیک خود سه عنصر ملی‌گرایی و عوام‌زدگی و سرکوب را درهم آمیخت و عرصه را بر نهادهای مدنی به شدت تنگ کرد. حزب اسمی «اتحاد سوسیالیستی عرب» به مثابه ابزار و نهادهای اطلاعاتی برای شناسایی و سرکوب مخالفان و اپوزیسیون و نیز به عنوان نهادی نظارتی ایفای نقش می‌کرد (Kamrava & Mora, 1998:905).

در همین نظام آمرانه بود که سازمان اخوان المسلمین به بهانه همکاری با ژنرال نجیب، رقیب ناصر و اعتراض به حکومت سکولاروی، غیرقانونی اعلام شد و اعضای آن بازداشت شدند. در این دوره نظامیان که وابسته به طبقه‌های متوسط به پایین بودند، بر دولت و نهادهای اطلاعاتی و بوروکراسی سلطه یافته و در کنار سرکوب‌گری، به مثابه تصمیم‌گیرندگان و جریان اصلی ایفای نقش کردند (Ehteshami & Murphy, 1996:754).

### ورود به دوران وابستگی

از سال (۲۰۱۱-۱۹۸۰) بعد از ترور انورسادات توسط گروه‌های بنیادگرای اسلامی حسنی مبارک به قدرت رسید. فرایند طی شده در این دوران به طور کامل شرایط الگوپذیری از مدل اقتدارگرای بوروکراتیک را نشان می‌دهد. مصر به دلیل مشکلات امنیتی خاص خود که در حوزه خارجی در همسایگی کشور اسرائیل قرارداداشت و هم‌چنین به دلیل درگیری نظامیان در حوزه داخلی با اخوان المسلمین و دیگر گروه‌های بنیادگرای اسلامی خواسته و ناخواسته مجبور به حرکت به سمت انسداد سیاسی و ارتباط با دول خارجی به طور خاص با آمریکا و اسرائیل گردید و این امر حاکمان این کشور را با دشواری‌های متعددی در داخل مواجه نمود که نیاز به سرکوب توسط حکومت افزایش یافت و از سوی دیگر مخالفان نیز از عنصر خشونت بیشتر استفاده کردند. بنابراین اگر شاخص‌های مدنظر اودانل را با روش‌های به کارگیری مدل توسعه به کار گرفته شده توسط حسنی مبارک مدنظر قرار دهیم باید به موارد زیر توجه کنیم:

### ساختار بوروکراتیک و تاثیر آن بر اقتصاد مصر

بوروکراسی پدیده‌ای است که در پروژه‌ها و مدیریت‌های کلان آشکار می‌گردد و تنش‌های مدیریتی را براساس تخصص و به منظور اعمال موثر سیاست‌ها تعیین می‌کند. بنابراین بوروکراسی برای مدیریت و اجرای پروژه‌های کلان ضروری است. هرچقدر که حجم یک

فعالیت بیشتر باشد، نیاز به سیستم برای تامین ضروریان تولید بهینه، بیشتر خواهد بود (Yassin 1965: 31-33). به طور طبیعی بورکراسی بر ادارات و فعالیت آنها حاکم است و به حکومت تنها محدود نمی‌شود بلکه در پروژه‌های بازرگانی و صنعتی نیز دیده می‌شود و می‌تواند در بین همه مقامات رسمی و شخصیت‌های اداری نفوذ پیدا کند (Sherif, 1965: 45).

بوروکراسی با اولویت‌دادن به ملاحظات و نیازهای عینی و واقعی برعلاقی فردی و تقسیم‌وظایف، به انجام پروژه‌های کلان کمک می‌نماید. البته، اگر معایب بوروکراسی، در عمل از منافع و معایب بیشترشود، خود به مانعی در مقابل توسعه تبدیل می‌شود. بنابراین گسترش حجم زاید کاغذبازی، مانع شکوفاشدن خلاقیت و خودانگیزی فردی و سایر شاخصه‌های یک جامعه دموکراتیک آزاد می‌شود (Yassin, 1965: 31-33).

معایب بورکراسی در مصر: ۱-ضعف عملکردی و نهادی حکومت ۲-قوانین مبهم و متضاد ۳-زمان بر بودن رویه‌های اداری ۴-فساد اداری نهادهای حکومتی.

### دخالت بخش غیررسمی

روابط پنهان اقتصادی، مشکلات فراوانی را پیش روی سرمایه‌گذاران، فعالان اقتصادی گذاشته است. بنابراین بخش وسیعی از صنایع و تجار مصر، فعالیت اقتصادی خود را خارج از چارچوب رسمی و قانونی انجام می‌دهند. بخش غیررسمی با فرار از پرداخت مالیات و بیمه اجتماعی و قوانین کار، هزینه‌های عملیاتی بسیار کمتری را به نسبت دیگر فعالان پرداخت می‌کنند.

به همین دلیل گسترش بخش غیررسمی، مانع سرمایه‌گذاری‌های کوچک می‌شود. پیامد منفی این امر، محروم ساختن اقتصاد مصر از منافع مستقیم و غیرمستقیم این بخش است (Abdel Motteleb El Asreg, 2006: 95)؛ به‌علاوه دامن‌زدن به فضای رقابتی غیرمنصفانه میان بخش رسمی و غیررسمی، عامل دیگری است که در نهایت مانع رشد بنگاه‌های زودبازده می‌شود و به ورشکسته‌گی آنها می‌انجامد (Abdel Motteleb El Asrag 2006: 105). در اواخر دوران مبارک تاحدی از فعالیت‌های مستقیم اقتصادی، جلوگیری شد و حکومت به ایفای نقش نظارتی و تنظیم‌کننده بازار پرداخت. این تغییر مثبت، بخش خصوصی و NGO ها را قادر به مشارکت در فرایند تنظیم و ارائه سیاست‌های کلی، تواناساخت. اما این اقدامات فاقد نتیجه بود و ساختار بوروکراتیک همراه با اقتدارگرایی به ویرانی پایه‌های اقتصاد مصر کمک کرد.

### انسداد سیاسی

حسنى مبارك در اوایل دوران حکومت خود، سیمای یک نظام چند حزبی و انتخاباتی ارائه داد و به تعدادی از احزاب و انجمن‌ها مجوز فعالیت داد و روزنامه‌ها نیز آزادی عمل بیشتری یافتند ولی حکومت در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ به این فضای نسبتاً باز پایان داد و از سال ۲۰۰۷ به این سو بر شدت فشار سیاسی افزود. در مجموع عواملی هم‌چون ساخت متصلب و انعطاف‌ناپذیری حکومت، عدم ایجاد ائتلاف فراگیر بین جزیانات سیاسی اسلام‌گرا و لیبرال ملی‌گرا، تضعیف و نابودی مخالفان لیبرال و اسلام‌گرا و جلب حمایت غرب با تاکید بر بیم غرب از اسلام‌گرایان باعث شدند که انسداد سیاسی به اوج خود برسد.

### انسداد اقتصادی

در مورد فعالیت‌های اقتصادی در دوران مبارك باید به سه مرحله توجه کرد: (خاطره التئیهه ۳۱ آذار مارس ۲۰۱۰: ۱۰۸)

— مرحله اول: در این دوره شاهد افزایش صادرات و تمرکز در صنعت و تکنولوژی هستیم.

— مرحله دوم: اقدام دولت به گسترش صادرات و تکنولوژی‌های ساده (توسعه صادرات)  
— مرحله سوم: اقدام به گسترش صنایع بزرگ و گسترده گردید. که وارد مرحله توسعه وابسته شد (خاطره التئیهه ۳۱ آذار ۲۰۱۰: ۱۰۸).

اگرچه مصر طی ۵۰ سال اخیر شاهد یک رشد اقتصادی بوده اما این رشد اقتصادی قادر به بهبود وضعیت زندگی جمعیت ۸۰ میلیونی این کشور نبوده است. در دهه ۹۰ دولت مصر به انجام گسترده طرح‌ها و پروژه‌های خصوصی‌سازی و آزادسازی تجاری پرداخت و تلاش‌های خود را برای جلب سرمایه‌های خارجی دوچندان کرد و این تلاش‌ها ثمربخشید و رشد تولید ناخالص داخلی مصر از ۴ درصد در سال ۲۰۰۴ به بیش از ۸ درصد در سال ۲۰۰۸ رسید. این کشور حتی بحران اقتصادی اخیر جهان را نیز با قدرت پشت سر گذاشت و در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به ترتیب رشد تولید ناخالص ۴/۷٪ و ۵/۲٪ درصدی را به ثبت رسانید. اما این درآمدها به طور عادلانه تقسیم نشدند. براساس آمارهای بانک جهانی، قشر پردرآمد مصر در دهه ۹۰ درآمدهای خود را افزایش داده ولی قشر کم‌درآمد مصر در این دوران با کاهش درآمد مواجه شده است. به این ترتیب علی

رغم افزایش ثروت ملی مصر، قشر فقیر این کشور به هیچ‌وجه احساس بهبود وضعیت مالی نداشته‌اند (خاطره التئیه ۳۱ آذار مارس ۲۰۱۰: ۴۰).

بنابراینچه گفته شد یکی از ریشه‌های تداوم اقتدارگرایی در سه دهه اخیر، عدم تمایل حکومت به قدرت‌یابی بخش خصوصی و نیز عدم تمایل به کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد بوده‌است. رژیم مبارک از آزادسازی گسترده در عرصه اقتصادی به این دلیل که به قدرت‌یابی بخش خصوصی می‌انجامیده استقبال نکرد و آن را محدود نگاه داشت. حکومت برای حفظ و تثبیت قدرت خود، همچنان بر بخش عمده اقتصاد و تولید در بخش صنایع بزرگ و بازرگانی به ویژه صدور پنبه سلطه داشت. تا اواخر دهه ۱۹۹۰ بر بیش از ۶۰ درصد بخش عمومی و اقتصاد مسلط بود (Kamrava & Mora, 1998:906). در مجموع، رژیم مبارک عناصری از ملی‌گرایی ناصر، آزادسازی نسبتاً محدود اقتصادی متأثر از سادات را با هم‌گرایی محافظه‌کارانه معطوف به کنترل دولت بر اقتصاد را ترکیب کرد.

### توسعه وابسته در دوران مبارک

یکی از مواردی که در دوران مبارک در حوزه اقتصادی صورت‌پذیرفت مساله وابستگی اقتصادی در این دولت بود به این صورت که سرمایه‌گذاری‌های صورت‌گرفته در حوزه اقتصادی و سیاسی کاملاً وابسته به غرب بود و بنا به گفته نویسندگان، کلیه بانک‌ها و صنایع سرمایه‌گذاری شده با پول و سرمایه‌های خارجی و به صورت وابسته سرمایه‌گذاری گردید. به نحوی که حتی قوانین تصویب‌شده در این دوران نیز براساس مقررات و منابع مالی اروپایی صورت‌گرفته‌است (عبدالکریم رمضان، ۱۹۹۹: ۳۰۷). دریافت سود بانکی نیز بنا به گفته منتقدین براساس معیارهای بانک‌های خارجی صورت‌می‌پذیرد تعامل سرمایه‌گذاری‌ها در این دوران اصولاً برپایه اقتصاد وابسته و توسعه در درون مدل غرب انجام‌پذیرفته‌است (عبدالکریم رمضان، ۱۹۹۹: ۳۰۷). اقتصاد وابسته در دوران مبارک در تمامی صنایع گسترده از جمله در صنایع پنبه و محصولات کشاورزی گسترش یافت به نحوی که در صورت قطع ارتباط خارجی قطعاً کلیه صنایع به تعطیلی کشیده می‌شود و شاید یکی از عوامل مهمی که سبب شده‌است کماکان وضعیت ارتباط با غرب بعد از انقلاب مصر ادامه پیدا کند همین مساله باشد (همان).



## نتیجه گیری

بنابراین آنچه گفته شد، توسعه سیاسی اقتصادی مصر در دوران افسران آزاد و به ویژه در زمان حسنی مبارک بنا بر دلایل داخلی و عوامل خارجی و همچنین به دلیل ماهیت اندیشه و ساختار ذهنی حاکمان مصر از مدل اقتدارگرایی بوروکراتیک پیروی کرد و در پایان دوران مبارک غلبه نظریه توسعه وابسته بر اساس الگوی ایوانس کاملاً مشهود بود.

ناکامی در فرایند توسعه در مصر مانند دیگر کشورهای که از این الگو پیروی کرده اند به بحران و آشوب انجامید. شاخص های اقتدارگرایی بوروکراتیک به طور کامل در شرایط سیاسی و اقتصادی مصر تطبیق می کند بر این اساس الگوهای به کار گرفته شده در توسعه به این دلیل که شرایط انسداد سیاسی و دشواری های اقتصادی و صنعتی در جامعه مصر فراهم آورد به شورش و انقلاب در این کشور انجامید. یکی از خواسته های اصلی مخالفین در مصر گریز از استبداد سیاسی - بود. به نظر می رسد الگوی مورد مطالبه این گروه ها الگوی دموکراتیک است و جامعه بیشترین چیزی را که در فرایند انقلاب اخیر مدنظر قرار می دهد درگیری با سلطه و استبداد داخلی و خارجی است.

از سوی دیگر وضعیت بد اقتصادی و اینکه کمتر از نیمی از جمعیت مصر روزانه یک دلار درآمد دارند و همچنین نفوذ نظامیان و نخبه گان بوروکراتیک در حوزه اقتصاد موجب شده است که اقتصاد کماکان در دست گروهی اندک باقی بماند به همین دلیل یکی از خواسته های انقلابیون مصر کارآمد کردن منابع اقتصادی و فرار از دوران نابسامان فعلی است. از سوی دیگر امنیتی شدن اقتصاد نیز از جمله عوامل ناکامی در جذب سرمایه خارجی و رقابت های داخلی این کشور است کشور مصر دارای ساختارهای اقتصادی بسیار ناکارآمدی است به همین دلیل نتوانست به سیج - منابع برای توسعه در ابعاد مختلف آن اقدام نماید.

گروهی معتقدند بسیاری از مخالفت های سیاسی که ظاهر و شکل ایدئولوژیک دارند نیز به تبعیت دشواری های اقتصادی گسترش یافتند. اصولاً اقتصاد مصر به دلیل ساختار استبدادی دچار نوعی «یخ زدگی» شده است. گروهی معتقدند فروپاشی شوروی که ریشه در عوامل اقتصادی داشت به شکل دیگری در ساختار انقلاب های عربی به خصوص مصر تکرار شده است. جدای از اینکه آمریکا در بروز انقلاب های عربی به خصوص مصر نقش داشته است یاخیر، تقریباً همه اندیشمندان بر این نکته اتفاق نظر دارند که ناکامی های اقتصادی و سیاسی مصر، در فرایند

انقلاب‌های اخیر نقش شایان توجهی ایفا نموده است. بنابراین ناکارآمدی ساختار اقتصاد سیاسی مصر همراه با بوروکراسی پیچیده و ناکارآمد مذکور افتاد، موجب انقلاب گردید.

پیش‌بینی می‌شود دولت آینده مصر براساس مدل ترکیه فرایند توسعه سیاسی را دنبال کند. الگویی که امروزه توسط دنیای غرب برای جهان اسلام دنبال می‌شود اما همان‌گونه که مشاهده می‌شود فرایند اسلام‌خواهی در کشور ترکیه نیز روبه افزایش است و سال‌های آینده ترکیه را نیز به سوی الگوی اسلامی توسعه سوق خواهد داد؛ بنابراین کماکان تحولات و چالش‌های خاورمیانه تا سال‌های آینده ادامه خواهد یافت تا مدلی فراگیر بتواند نمونه موفق را در اقتصاد و سیاست مبتنی بر فرهنگ اسلامی ارائه دهد.

**پیشنهاد:** به نظر می‌رسد زمامداران کشورهای در حال توسعه می‌بایست به رشد و نمو همه جانبه در اقتصاد و سیاست نظر داشته باشند. ایدئولوژی‌های مذهبی و منطقه‌ای را مدنظر قرار دهند و به نقش فرهنگ در تحولات جامعه توجه بیشتری نشان دهند تا توسعه در این کشورها به سرانجام برسد. امروزه نقش ایدئولوژی‌های مذهبی در خاورمیانه به صورت بسیار چشم‌گیری در حال افزایش است. بنابراین هرگونه تصمیم‌گیری در رابطه با توسعه می‌بایست ملاحظات منطقه‌ای و مذهبی را مدنظر قرار دهد.

## منابع

- تیاسن، آمار. (۱۳۸۱)، «توسعه به مثابه آزادی»، ترجمه وحید محمودی: انتشارات دستان، تهران، چاپ پنجم.
- حافظیان، محمدحسین. (۱۳۸۷)، «مشکلات اقتصادی و چشم انداز بی‌ثباتی سیاسی در مصر»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تهران، سال پانزدهم، شماره ۳ و ۴.
- سیف زاده، سیدحسین. (۱۳۶۸)، «نوسازی و دگرگونی سیاسی»، نشر قومس، تهران، چاپ اول.
- ساعی، احمد. (۱۳۸۴)، «توسعه در مکاتب متعارض، نشر قومس»، تهران، چاپ اول.
- مصلی نژاد، غلامحسین. (۱۳۸۴)، «دولت و توسعه اقتصادی در ایران»، نشر قومس، تهران، چاپ هفتم.

ی . سو ، آلوین . (۱۳۸۱)، «تغییرات اجتماعی و توسعه»، ترجمه محمود حبیبی ، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی ، تهران ، چاپ چهارم.

روزنامه جام جم ، اسفند ۸۹

- Abdel Motteleb El Asray (2006) Hussein "The future of SMES in Eygpt " , El Ahram El Eqtesady Book.
- Alberecht , Holgarand schlumberger (2004) oliver "Regime change without Democratization in the Middle East." International Political science Review" , vol.25.
- A Xderson , Roy . (et.al) (2001) " Politics and change in the Middle East". New jercy, printice Hall.
- Ehteshami , Anoushirvan and Marphy , Emma (1996) " Transformation of the corporatist state in the Middle East." Third World Quarterly , vol . 17.
- Giddens , Antony (1984) "The Constitution of society" , Cambridge polity Press .
- Huntington. Samuel (1976) The change to change:"Modernization , development and Politics", Ny: Free Press , Kamrava Mehran , Mora , Frank . " Civil Society and Democratizing in Comparative perspective (1998) latin America and the Middle EastThird World Quarterly , vol.19.
- Mohammad Hasan (2007) "Democracy Promotion in Arab Politics" Journal of International and Area Studies ,14(z).
- Sherif , Fouad (1965) "The Theory of New Bureaucracy" El Taliaa Magazine ,fourth Issue El Ahram.
- Wallerstein. Immanuel (1979) " The capitalist World – Economy" . Ny: cambridge univ. Press.
- www.cipe.org
- Yassin , Mohammad Hasan (1965) " The Other face of Bureaucracy" El Taliaa Magazine.

التنهیه ، خاطره . (۲۰۱۰)، «الاستراتیجیه مصر للتنمیه»، الصناعیه الطباعه.

السعید ، مصطفی . (۲۰۰۱)، «الاقتصادی المصری و تحدیات الاوضاع الراهنه»، مظاهر الضعف الاسباب للعلاج ، الطباعه ، دارالشرف.

دلاور شریف . (۲۰۰۰)، «الاقتصاد المصری و العده»، الطباعه دارالمعارف.

رمضان عبدالکریم . (۱۹۹۹)، «الصراع الاجتماعی و السياسی فی عصر مبارک»، الحیه السریعه العامه للکتاب الجزء الحادی عشر.